

رسول خدا (ص) رخ دادند نزدیک به ۸۰ غزوه و سریه بودند که تنها چندصد کشته از دو طرف برجای گذاشتند و این بسیار شگفت است. کسانی که تاریخ جهان را ورق زده‌اند معمولاً پیش از آنکه به موفقیت دست یابند دست به کشتارهای بزرگی می‌زنند و ده‌ها هزار بلکه صدها هزار انسان را قربانی جاه‌طلبی‌های خود می‌کنند، از همین رو اتهامی این چنین به پیامبر خدا (ص) درست نیست. می‌شنیدم که یکی از مستشرقان می‌گفت از اسکندر و یا قیصر روم و یا دریوش بزرگ انتظار می‌رود که دست به شمشیر برند، اما از یک پیامبر انتظار چنین چیزی نمی‌رود. ایشان حضرت رسول را با حضرت عیسی (ع) و دعوت ایشان به تسامح مقایسه می‌کنند. در پاسخ باید بگویم که رسول الله آمده تا اسوه و الگویی باشد برای نسل‌ها یکی پس از دیگری تا برپایی قیامت، از همین روش‌ها در سیره ایشان تمام مواردی را که یک انسان امکان دارد به آن برخورد کند می‌باید. اگر این پیامبر با هدف یاری حق و شکست باطل دست به شمشیر نمی‌برد، دیگر نمی‌توانست الگویی برای سیاستمداران و راهبردان ایشان باشد، و تنها یک الگوی اخلاقی می‌بود، همان طور که حضرت عیسی (ع) را صرفاً به یک الگوی اخلاقی تقلیل دادند. و بزرگ‌ترین دلیل برای امر آن است که آن‌ها که خود را منتسب به حضرت عیسی می‌دانند بزرگ‌ترین کشتارهای جهان را از جنگ اول و دوم جهان و تا به امروز رقم زده‌اند. آیا تسامح حضرت عیسی (ع) براندیشه‌کنشگر سیاسی و راهبردی غربی بازتاب یافته است؟ خیر، بازتاب نیافته است. چرا؟ چون در سیره حضرت عیسی چیزی که ایشان را در مسائل راهبردی و کارزار رهنمون سازد نیافته‌اند. اما اگر به سیره محمد (ص) بازگردیم خواهیم دید که یک کنشگر راهبردی یا یک سیاستمدار و یا یک فرمانده نظامی می‌تواند از سیره آن حضرت بهترین راه‌های تعامل با مسائل راهبردی و سیاسی و نظامی را استفاده کند، اگر اخلاقی باشید همین طور، اگر یک مربی اجتماعی باشید همین طور و اگر یک فرد اقتصادی باشید هم همین طور. پس می‌توانیم بگویم که سیره حضرت رسول (ص) همه آن چیزی را که یک انسان معاصر و حتی یک انسان که در آینده پا به عرصه این جهان خواهد گذاشت بدان نیازمند است تأمین می‌کند، پیامبری که متن را فعلیت بخشید، متنی که پس از آن تا روز قیامت متن دیگری فرو نخواهد آمد. در واقع به نظر من این از کمال نبوت است که رسول الله (ص) از تمام ابزارهایی که باید استفاده شوند بر اساس حکمت و اخلاق والا و مبتنی بر ارزش‌های رفیع بهره‌بردارند تا آنچه باید محقق می‌شد محقق شود. ▶

هیچ مردی را در کل تاریخ نمی‌شناسم که توانسته باشد موازنه قوا در کل جهان را با این تعداد کم از درگیری‌ها و آسیب‌های ناچیز تغییر دهد.

نیز بهره‌بردیم که برخی عربی بودند و برخی بیزانسی و برخی فارسی. در این کار از برخی منابع آکسومی حبشی نیز بهره‌بردیم، چرا که به نظر من ما مسلمانان در فهم جهان در آستانه ظهور حضرت رسول (ص) در قرن هفتم میلادی کوتاهی کرده‌ایم. من می‌خواستم ببینم که جهان در آن روزگار چگونه بوده و چه چیز از این جهان به مکه و مدینه رسیده بود. و رسول خدا (ص) و یاران ایشان موازنه قوا را در آن روزگار چگونه فهم کرده‌اند که توانستند در کمترین زمان ممکن، یعنی ۲۰ سال، نقشه سیاسی جهان آن روز را دستخوش تغییری ریشه‌ای کنند، به گونه‌ای که می‌توانم از آن تحت عنوان بزرگ‌ترین شگفتانه تاریخ جهان یاد کنم، اینکه چگونه قدرت سوم نوینی که به دور از کانون‌های قدرت جهانی بود و پیشینه‌ای در فتح و گسترش قلمرو نداشت جایگزین دو امپراتوری بزرگ شد که دو قدرت جهان آن روز بودند. این کتاب به نظر من بین سیره و روش تحلیل معاصرون‌نگاه تاریخی به منابع جمع می‌کند، اما باید اضافه کنم که کتابی برای آینده است، چرا که می‌خواهد درس‌هایی از سیره برگرد که برای استفاده در آینده کارساز خواهند بود.

پژوهشگران سیره در ایران اخیراً تلاش می‌کنند که سیره رسول الله را از چارچوب نظامی و قالب غزوات و سربازها به در آورند تا از این رهگذر بتوانند به جنبه‌ها و ابعاد دیگر سیره رسول الله بپردازند، به ویژه اینکه مستشرقان همواره تلاش می‌کرده و می‌کنند که رسول الله را پیامبر جنگ و شمشیر به دست به تصویر کشند. آیا چنین ایده‌ای در ذهن شما بوده و آیا در این امر موفق بوده‌اید یا خیر؟

در واقع من از چنین عقیده‌ای در تعامل با سیره رسول الله رنج نمی‌برم، چرا که این کتاب به ابعاد راهبردی و سیاسی می‌پردازد و کتابی مثلاً در تربیت اخلاقی یا دعوت انسانی نیست، چرا که ابعاد زندگی رسول الله (ص) گونه‌گون‌اند، و من فقط به بعد راهبردی این زندگی پرداخته‌ام و مفاهیم و واژه‌گانی که در یک بحث راهبردی استفاده می‌شوند معمولاً واژه‌گانی مانند پیمان‌ها، جنگ، درگیری‌ها، توافق‌نامه‌ها و رسانه است، که از رهگذر آن آگاهی راهبردی شکل می‌گیرد. اما درباره این اتهام شرق شناسان که می‌گویند رسول الله (ص) به واسطه شمشیر توانستند واقعیت را تغییر دهند، باید بگویم که هیچ مردی را در کل تاریخ نمی‌شناسم که توانسته باشد موازنه قوا در کل جهان را با این تعداد کم از درگیری‌ها و آسیب‌های ناچیز تغییر دهد. درگیری‌هایی که در زمان

متوالی کشاندند و باعث شدند تا بسیاری از طرح‌های سیاسی-اسلامی ما با عدم توفیق همراه شوند. از همین رومی‌گویی که ما باید به سیره بازگردیم تا به صورت فعلی به اصولی راهبردی دست یابیم و در بابیم که چگونه این اصول را در جهان امروز به کار بگیریم. به عنوان نمونه، یکی از بزرگ‌ترین اصول راهبردی حضرت رسول (ص) این بود که اجازه نمی‌دادند پیروان و امت ایشان پاره‌پاره شوند. به عنوان نمونه علیرغم وجود منافقان در میان مسلمانان و با وجود اینکه آیات قرآن کریم به رسول خدا (ص) اطلاع داده بودند که در صفوف مسلمانان منافقانی وجود دارند که در واقع ایمان نیاورده‌اند، اما رسول خدا (ص) در ۹ سال اول حضورشان در مدینه از درگیری با ایشان صرف‌نظر کردند، و پاسخ ایشان در قبال کسانی که به این امر انتقاد داشتند این بود که می‌فرمودند: ایامی خواهید مردم بگویند که محمد یاران خود را می‌کشد؟ در واقع حضرت رسول (ص) نمی‌خواستند صورت امت اسلامی یک صورت از هم گسیخته و پاره‌پاره باشد. همچنین درباره آنچه در دل‌ها بود کنکاش نمی‌کردند و تا مثلاً مؤمن را پاداشی و لا دهند و منافق را ریشه کن کنند، اراده ایشان بر این قرار گرفته بود که امت ظاهر وحدت خود را حفظ کند. این اصول مهم راهبردی رسول خدا (ص) بود، اما به وضعیت امروز ما بنگرید، ما به گسست‌ها چشم دوخته‌ایم و به اختلافات نظری افکنیم، به آنچه ما را از هم می‌گسلاهد تمام می‌ورزیم، از همین رو قدرت آن را نداریم که چون سده‌ها محکم در برابر کسانی که می‌خواهند همه ما را تضعیف کنند بایستیم.

از شما سیاست‌سازم. تشکر می‌کنم که وقت خود را در اختیار مجله باور قرار دادید. ▶